

امام خمینی (س)

و ترسیم استراتژی

هدم اسرائیل

مواضع امام خمینی (سلام الله علیه) در برابر رژیم اشغالگر قدس، اسرائیل غاصب، آن قدر مشخص و روشن است که نیازی به توضیح غیرهم پیدانمی کشد. امام در تمامی مراحل زندگی و مبارزات خویش چه آن زمان که در قم قبل از سنه ۴۲ حضور داشتند چه به هنگام تبعید و چه آن زمان که به ایران بازگشته و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی شدند، در همه این مقاطع زمانی موضع امام در برابر اسرائیل غاصب نه تنها هیچگونه تغییری نیافت بلکه با قدرت نسبی یافتن به حمایت معنوی و مادی، از قیام مردم فلسطین در برابر صهیونیستها همت گمارد. امام موضعی اصولی در برابر وجود رژیم اشغالگر قدس داشتند و آن این بود که ابرقدرتها در قیله اول مسلمانان، با سیاستی مزورانه یهودیان صهیونیست را همچون خنجری در قلب مسلمین فرو برده اند و قصد تثبیت و برسمیت شناختن این شجره خبیثه توسط کشورهای اسلامی را دارند لذا مسلمانان باید با همه توان و قدرت خویش در جهت محو و نابودی کامل اسرائیل حرکت نمایند. این جمله استراتژی امام را در این رابطه ترسیم می کند:

«اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود».

در بررسی سیر نظرات امام پیرامون مسائل سیاست خارجی و اصولی که آن رهبر کبیر برای انقلاب و نظام تعیین و تبیین نمودند، موضوع «حرکت

قاطع در جهت محو اسرائیل» جایگاهی خاص دارد که باید دقیقاً نوع برخورد ایشان در این زمینه مورد توجه و دقت قرار گیرد.

بزرگترین جرم رژیم شاه اجرای برنامه های اسرائیل

یکی از انگیزه های قیام امام و مردم دریا نزدیک خرداد ۴۲ علیه شاه و دستگاه حاکمه کشور، سلطه یافتن عمال اسرائیل بر برنامه های ایران بود. امام می فرمود:

«ما می خواهیم که مملکت ما از آن نقطه اولیش تا آن آخرش جووری باشند، طوری سلوک بکنند که مایه افتخار یک مملکتی باشد، بگویند آقا ما امیر کبیر داریم، وزراء سابق، مشاورین سلاطین سابق علما بودند، علی بن یقین بوده است، گاهی ائمه اطهار (ع) بوده اند، حالا مشاورین چه کسانی هستند؟ اسرائیل! مشاورها اسرائیل! از یهود آن بزرگ شده است... دوهزار نفر را با کمال احترام، با دادن به هریک از آنها پانصد دلار رزق، به هریک پانصد دلار مال این ملت مسلم به بهائی داده اند، ارز داده اند، به هریک هزار و دویست تومان تخفیف هواپیمای، چه بکنند؟ بروند در جلسه ای که بر ضد اسلام در لندن تشکیل شده است شرکت کنند. وای بر این مملکت، وای بر این هیأت حاکمه، وای بر این دنیا، وای بر ما، وای بر این علمای ساکت، وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت، این تهران ساکت، این مشهد ساکت، این سکوت مرگبار اسباب این می شود که زیر چکمه اسرائیل به دست همین بهائی ها، این مملکت ما، این توأمیس ما پایمال بشود وای بر این ما، وای بر این اسلام، وای بر این مسلمین».

(۱/۱/۱۰)

وضعیت رژیم سابق به شکلی بود که امام از نفوذ و سلطه صد درصد اسرائیل بر مصداق در امور ایران خوف داشته و طی هشدارهای مکرر در همان زمان به این مسأله تاکید می فرمود:

«آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پستهای حساس به دست این فرقه است که حقیقتاً عمال



اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است، پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می شود، لازم است علمای اعلام و خطبای محترم، سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم».

(ارديبهشت ۴۲)

اهمیت مسأله به حدی بود که امام در هر سخنرانی یا نامه و پیام خود بدان اشاره کرده و به موضعگیری در برابر آن می پرداختند. از نظر امام هم پیمانی با اسرائیل جرم غیر قابل بخشش یک رژیم و دولت اسلامی محسوب شده و از آنجا که رژیم شاه را در صدد انجام این خیانت می دیدند، جلوگیری از این حرکت را به عنوان گامی برای مقابله با اسرائیل عنوان کرده و به دنیا اعلام نمود:

«من به سران ممالک اسلامی و دول عربی و غیر عربی اعلام می کنم: علماء اسلام و زعمای دین و ملت دیندار ایران و ارتش نجیب با دول اسلامی برادر است و در منافع و مضار همدوش آنهاست و از پیمان با اسرائیل دشمن اسلام و دشمن ایران منتفرو منزجر است، اینجانب این مطلب را به صراحت گفتم، بگذار عمال اسرائیلی به زندگی من خاتمه دهند».

(۴۲/۲/۱۲)

امام پیروان خویش را به داشتن حساسیت و برخورد با مسأله هم پیمانی رژیم شاه با اسرائیل به صورتی دائمی ترغیب نموده و بر لزوم مقابله اصولی با این امر توجه می دادند:

«تأسف بالانتر، تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل است بر بسیاری از شؤون حساس مملکت و قبضه نمودن اقتصادات آن به کمک دولت و عمال دستگاه جبار اسرائیل با دول اسلامی در حال جنگ است و دولت ایران با کمال دوستی با اورفتار می کند و همه نحو وسائل تبلیغ و ورود کالاهای آن را فراهم می سازد... اشخاص متدین را به جرم آنکه در عا شورا دسته راه انداخته اند و شعار ضد اسرائیل با خود داشته اند به حبس و زجر و شکنجه کشیدند... من به جمیع دول اسلام و مسلمین جهان در هر جا هستند اعلام می کنم که ملت عزیز شیعه از اسرائیل

و عمال اسرائیل منتفرد و از دولتهایی که با اسرائیل سازش می کنند، منتفرو منتزجرند. این ملت ایران نیست که با اسرائیل منفرد در حال سازش است، ملت ایران از این گناه بزرگ بری است، این دولتها هستند که به هیچ وجه مورد تأیید ملت نیستند».

(۱۳۴۳/۱/۱۸)

«ما می گوئیم که شما برنامه های اصلاحی تان را اسرائیل برایتان درست می کند، ملت اسرائیل. شما وقتی برنامه هم می خواهید درست کنید در ستان را پیش اسرائیل دراز می کنید، شما کارشناس نظامی از اسرائیل به این مملکت می آورید، شما محصلین را از اینجا به اسرائیل می فرستید... ما با اینها مخالفیم. ما می گوئیم: آقا! جمیع ممالک اسلامی صف کشیدند یک طرف مقابل کفرو اسرائیل، شما و دولت سر که هم یک طرف ایستاده اید با اسرائیل موافق. ما می گوئیم صلاح نیست این کار... ای مردم! ای عالم! بدانید ملت ما مخالف است با پیمان با اسرائیل. این ملت ما نیست، این روحانیت ما نیست. دین ما اقتضا می کند که با دشمن اسلام موافقت نکنیم، قرآن ما اقتضا می کند که با دشمن اسلام هم پیوند نشویم در مقابل صف مسلمین».

(۴۳/۲/۲۵)

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را... آقا تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست».

(۴۳/۸/۱)

«امروز اقتصاد ایران به دست آمریکا و اسرائیل است و با زار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر بر رخسار بازوگان و زارع نشسته است و اصلاحات آقایان، با زار سیاه برای آمریکا و اسرائیل درست کرده است و کسی نیست که به داد ملت فقیر برسد».

(۴۳/۸/۴)

این قبیل افشاگریهای امام تا زمان تبعید ایشان از ایران به ترکیه در سیزدهم آبانماه ۱۳۴۳ بی وقفه ادامه داشت. پس از تبعید شاید عمده ای گمان می کردند

که شیوه برخورد امام کند و ملایم خواهد شد اما برخلاف این تصور، نه تنها افشاگری علیه شاه و سیاستهای رژیم و بسته اش ادامه یافت بلکه با روش افشای سیاستهای صهیونیستها در کل ممالک اسلامی آهنگی تند تر و پرشتاب به خود گرفت. امام در دوران تبعید خود خطر رشد و با گرفتن اسرائیل را همچون یک غده سرطانی در پیکر کشورهای اسلامی، مهمترین خطری که هویت دینی مسلمین را تهدید می کند، ذکر می نمودند. در این دوران امام از یکطرف افشاگری درباره سلطه اسرائیل بر دستگاه جبار و سیاستهای رژیم شاه را ادامه داده و به عنوان نمونه در نامه سرگشاده به هویدا نوشتند:

«... اینقدر برای ارضاء شهوات دیگران به علماء ملت و محصلین و دانشجویان فشار نیاورید، با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین، آواره کننده بیش از یک میلیون مسلم بی پناه، پیمان برادری نبندید، عواطف مسلمین را جریحه دار نکنید، دست اسرائیل و عمال خائن آن را به با زار مسلمین بیش از این باز نکنید. اقتصاد کشور را به خاطر اسرائیل و عمال آن به خطر نیندازید».

(۴۶/۱/۲۷)

و از طرف دیگر به حمایت از مجاهدان فلسطینی که برای استرداد زمینهای اسلامی دست به مقاومت مسلحانه زده بودند. مبادرت می ورزید. به عنوان مثال: «قبلاً هم تذکر داده ام که دولت غاصب اسرائیل با هدفهایی که دارد برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است که اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان پذیر نشود و چون احتمال خطر متوجه به اساس اسلام است، لازم است بر دول اسلامی بخصوص و بر سایر مسلمین عموماً که دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند و از کمک به هدفین کوتاهی نکنند و جایز است از محلل زکوات و سایر صدقات در این امر مهم حیاتی صرف نمایند».

(یاسخ امام به پرسش دسته ای از فدائیان در ۶/۶/۴۷)

امام همچنین با مشخص کردن عوامل بوجود آورنده، اسرائیل، این غده سرطانی در سرزمینهای



اسلامی را چنین معرفی می نمودند:

«استعمار چپ و راست دست به دست هم داده برای نابودی ملت اسلام و کشورهای اسلامی کوشش می کنند و در راه اسیر کردن بیشتر ملت‌های مسلمان و غارت سرمایه سرشار و منابع طبیعی آنان، با یکدیگر سازش کرده اند. اسرائیل با تیبانی و همفکری دولتهای استعماری غرب و شرق زائیده شد و برای سرکوبی و استعمار ملل اسلامی به وجود آمد و امروز از طرف همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می شود. انگلیس و آمریکا با تقویت نظامی و سیاسی و بنا گذاشتن اسلحه های مرگبار در اختیار اسرائیل، آن را به تجاوزات بی دریغ علیه اعراب و مسلمین و ادامه اشغال فلسطین و دیگر سرزمینهای اسلامی تخریب و وادار می سازند و شوروی با جلوگیری از تجهیز شدن مسلمانان و با فریب و خیانت و سیاست سازشکارانه، موجودیت اسرائیل را تضمین می نماید. اگر دولت اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب به اسلام تکیه می کردند و تعالیم نورانی و رهائی بخش قرآن کریم را نصب عین خود قرار داده و به کار می بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم آمریکا و مفهوز اراده سازشکارانه و بیرنگ بازی های شیطانی شوروی واقع نمی شدند.»

(۵۱/۴/۲۲)

اهداف استعمارگران از ایجاد اسرائیل نیز اینگونه توسط امام افشا می گردید و راه حل مقابله با آن به روشنی تبیین و مورد تأکید قرار می گرفت:

«همه باید بدانند که هدف دولتهای بزرگ از ایجاد اسرائیل، تنها با اشغال فلسطین پایان نمی پذیرد. آنها در این نقشه اند که پناه بر خدا. تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند و امروز ما ناظر جهاد مبارزین فلسطینی در راه سپردن سرنوشت فلسطین به فلسطینی ها هستیم، ناظر مجاهدانی هستیم که جان بر کف به جهاد قهرمانانه علیه اشغال و تجاوز و در راه آزادی فلسطین و سرزمین های اشغال شده پیا خاسته اند... آیا مسلمانان و سران کشورهای اسلامی در چنین موقعیتی در پیشگاه خدا و عقل و وجدان، مسؤولیت و

وظیفه ای ندارند؟ آیا رواست که مجاهدان فلسطینی به دست گماشتگان استعمار در مناطق زیر سلطه استعمار قتل عام شوند ولی دیگران در برابر این جنایت سکوت کنند و حتی در بیرون راندن این جهاد آزادیبخش از مناسبترین منطقه سوق الجیشی خودش، با یکدیگر همدانسانی و توطئه کنند؟ آیا دولتهای عربی و ساکنان مسلمان این مناطق نمی دانند که با نابودی این جهاد، سایر کشورهای عربی از شر این دشمن ناباک، روی امن و امان نخواهند دید؟ امروز بر تمام مسلمانان عموماً و بر حکومتها و دولتهای عربی خصوصاً به خاطر حفظ استقلال خودشان لازم است که به پاسداری و پشتیبانی این گروه مجاهد، متعهدانه اقدام کنند و از هیچ تلاشی در راه رسانیدن اسلحه و آذوقه و ذخیره به این مجاهدان دریغ نورزند...»

(۵۱/۸/۱۹)

پیامها، سخنرانیها و نامه های امام، مسئولان موضوعگیریهایی اینچنینی ایشان با مسأله فلسطین اشغالی و نحوه برخورد قاطع با صهیونیستها و یهودیان حاضر در اسرائیل می باشد. اگر مدعی شویم که سراسر زندگی مبارزاتی قبل و پس از انقلاب امام خمینی (س) بر محور مبارزه برای هدم و نابودی اسرائیل و عمال آن استوار بوده سخنی به گزاف نگفته ایم.

مواضع امام علیه اسرائیل در دوران پس از پیروزی انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر دستاوردهای فراوانی که در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایران نصیب مردم ما نمود،

ضربه مهلکی بر برنامه های منطقه ای و جهانی استعمارگران در ارتباط با شناسایی و تثبیت اسرائیل، وارد آورد. شاه به عنوان مهره سرسپرده ای که ایران را جزیره ثبات برای آمریکا و اسرائیل می خواست با مقاومت های مردمی رو برو شد که به واسطه اجرای سیاستهای رژیم. دین و اعتقادات مذهبی و ملی خویش را در خطر مسخ و نابودی دیدند. البته شاید این نکته در تحلیل تاریخ سیاسی قبیله از پیروزی انقلاب محلی از اعراب داشته باشد که داغ ننگه داشتن «تنور» مبارزه با اسرائیل و عمال اسرائیل توسط امام و حساسیتی که امام به صورتی دائمی در این رابطه افکار عمومی مسلمانان و مردم ما را متوجه آن می ساخت شاید یکی از موانع عمده طرح شناسائی اسرائیل و تثبیت آن به حساب آید و چه بسا اگر شاه ایران از عکس العمل امام و قیام و نظاهرات و اعتراضات داخلی وحشت نداشت در سر میز مذاکره ننگین کمپ دیویدیکی از پایه های اصلی آن پیمان خائنانه بود.

پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها باعث ایراد ضربه بر چنین طرحی گردید بلکه با توجه به رهنمودهای رهبر سازش ناپذیرش، اقدامات عملی در این رابطه به انجام رسید. رابطه ایران انقلابی و اسلامی نه تنها با اسرائیل قطع شد و سفارتخانه آن به سفارت فلسطین انقلابی تبدیل گردید بلکه به امر امام، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران موظف به قطع رابطه با مصر به دلیل آنکه با قبول پیمان خائنانه کمپ دیوید عملاً اسرائیل را به رسمیت شناخته بود، شد و رسماً روابط میان دو دولت قطع گردید.

لطماتی که اسرائیل از نظر اقتصادی، با پیروزی انقلاب متحمل شد نیز قابل محاسبه نیست. ایران از کشوری که تمامی مصادر امورش به دست عمال صهیونیسم بود و نفت، طلای سیاه این مرز و بوم به ثمن بخش یا مچانی در حلقوم اقتصاد اسرائیل ریخته می شد تبدیل به کشوری شد که نه تنها از روزه های اول پیروزی آن شیرهای لوله های حامل نفت از ایران به اسرائیل را مسدود ساخت بلکه همه مسلمانان و مردم کشورهای منطقه را به وحدت و یکپارچگی برای مبارزه ای جدی و همه جانبه بمنظور هدم و

نابودی اسرائیل دعوت می نماید:

«این دولتها هیچگاه به فکرامت هان نیستند، امت ها خودشان باید به فکر خودشان باشند. اگر بنا بود ما بنشینیم تا دولتها برای ما کاری بکنند، باز هم الآن شاه بر ما حکومت می کرد و همان عقب ماندگی را داشتیم، ولی ما به قدرت ایمان با ابرقدرتها مبارزه کرده و دست اینها را کوتاه کردیم، شما اگر بخواهید به مشکلات خود پیروزشوید، اگر بخواهید بیت المقدس را نجات بدهید، اگر بخواهید فلسطین را نجات بدهید اگر بخواهید مصر را نجات بدهید و اگر بخواهید سایر ممالک عربی را نجات بدهید، باید ملت ها قیام بکنند، ملتها باید نشینند، چرا که دولتها روی مسائلی که برای خودشان صرفه دارند عمل می کنند».

(فروردین ۵۸)

«اگر مسلمین مجتمع بودند هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند و او را سیل می برد، معذک در مقابل او زیون هستند. معنا این است که با اینکه اینها را می دانند چرا به علاج قطعی که آن اتحاد و اتفاق است روی نمی آورند؟ چرنا توطئه هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می برند، آن توطئه ها را خنثی نمی کنند؟ آیا این معنا چه وقت باید حل شود؟ و پیش کسی باید حل شود؟ این توطئه را کی باید خنثی کند؟ غیر از دولتهای اسلام و ملت های مسلمین؟»

(۵۸/۵/۲۵)

«بباید متحد شویم و دست جنایتکاران چپ و راست را که در رأس آن امریکا است قطع نموده و اسرائیل را از ریشه برکنیم و حق مردم فلسطین را به خودشان بسپاریم».

(۵۸/۸/۱۱)

اینها و دهها وصدها جملاتی از این دست روشنگر موضع امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برابر رژیم اشغالگر قدس است. از دیگر اقدامات عملی و جاودان امام در این رابطه، اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس می باشد:

«هر کس باید خودش قیام، مسلمین باید خودشان قیام کنند در مقابل اینها، دنبال این نباشند

که دولتهایشان یک کاری بکنند، دولتها کاری نمی کنند، خودشان باید بکنند، ... باید آقایان توجه کنند، تمام مسلمین توجه بکنند روز قدس روزی است که باید تمام ملت های اسلام با هم توجه بکنند و این روز را زنده نگه دارند. اگر یک هیاهویی از تمام ملت های مسلمین بلند شود، روز جمعه آخر ماه مبارک که روز قدس است همه ملت ها قیام بکنند، همین که حالا همان نظرات، همین راهیمایی ها را بکنند این مقدمه میشود از برای اینکه انشاء الله جلوی این مفسدین را بگیریم و کلک اینها از بلاد اسلام کنده بشود. ما، می سست می گیریم، مسلمانها می سست می گیرند، ملت های طرف می مانند کم قیام می کنند و نهضت می کنند کم نظا هر می کنند راجع به این امور. اسرائیل وقتی که دید ملت ها با هم مخالف هستند و دولت مصر هم که همراه اوست برادر است و عراق هم که با اینها برادر است وقتی این چیزها را دید می قدم به قدم پیش می رود و شما مطمئن باشید که اگر سست بگیرد، اینها تا فرات می خواهند بروند اینها همه اینجا را ملک خودشان می گویند هست شما باید محکم بایستید مقابل اینها».

البته در این میان عمال اسرائیل نیز یک کار ننشسته و به انحاء گوناگون ضربه زدن بر ایران اسلامی و خط امام را در دستور کار خود قرار داده بودند و از همه نیرونگهای آنان پیچیده تر، حرکت آخوند های درباری بود. یکی از اقدامات امام در طول سالهای بعد از پیروزی انقلاب مقابله با سبب های او و تفرقه افکنی های این عمال اجانب بود که خود بخشی مفصل و جداگانه را طلب می کند.

افشای طرح خائنه فهد در رسمیت شناختن اسرائیل نیز از دیگر اعمال امام در این رابطه به حساب می آید:

«ملت ایران همچون سایر مسلمانان جهان در مقابل مشکلات و خطر هایی که برای اسلام در دست اجراست، در شگاه خدای قادر مسئول است و امروز از خطرنا کترین امور طرح «کمپ دیوید» و طرح «فهد» است که اسرائیل و جنایات او را تحکیم می کند ... من طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و

شناسائی او را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولتهای اسلامی یک انفجار می دانم و مخالفت با آن را یک فریضه بزرگ اسلام می شمارم».

(۶۱/۳/۱۵)

نشان دادن راه صحیح مبارزه به فلسطینی ها و متوجه ساختن سران فلسطینی از دامهایی که قدرتهای بزرگ برای انحراف آنان از مسیر صحیح مبارزه تدارک دیده بودند از جمله اقدامات مهم امام در زمینه مبارزه با اسرائیل غاصب به شمار می آید:

«من به سران فلسطینی نصیحت می کنم که دست از رفت و آمدهای خودشان برداشته و با اتکاء به خداوند متعال، مردم فلسطین و اسلحه خویش تا حد مرگ با اسرائیل بستیزند، چرا که این رفت و آمدها موجب می شود که ملت های مبارز از شما دلسرد شوند. شما اطمینان داشته باشید که نه شرق به درد شما می خورد و نه غرب. با ایمان بر خدا و تکیه بر سلاح با اسرائیل بجنگید».

(۶۱/۴/۲۵)

«دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم. و خصوصاً در این شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین اسلامی و لبنان اسلامی، یعنی حزب الله و مسلمانان انقلابی سر زمین غصب شده و لبنان با نثار خون و جان خود فریاد «یا للمسلمین» سر می دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی در مقابل اسرائیل و متجاوزین بایستیم در مقابل آن همه سفاکی ها و ددمنشی ها مقاومت و ایامردی کنیم و به یاری آنان بشتاییم و سازشکاران را شناسایی و به مردم معرفی کنیم».

(در دیدار با اعضای حزب الله لبنان و ... ۶۶/۱۲/۹۰۰۰)

جایگاه اسرائیل از نظر گاه ابر قدرتها و موضع امام در این باره

نکته ای که لازم است در پایان این بحث به آن اشاره شود اینکه بعضی ها عنوان می کنند با توجه به فراگیری جهانی سیاست تنش زدایی و نیز سرقراری نظم نوین جهانی وضعیت و موقعیت اسرائیل دچار

تغییر و تحولاتی شده یا خواهد شد. این نظریه همان مطلبی است که قدرتهای جهانی قصد دارند به وسیله بوقهای تبلیغاتی شان به کشورهای جهان سوم خصوصاً مسلمانان حُفته نمایند و القاء کنند. در شرایط کنونی آمریکا و شوروی و... برای شناسایی و تثبیت اسرائیل به توافق رسیده اند و مزدوران آمریکا همچون فهد، حسین اردنی، حسنی مبارک، آل صباح کویتی، شاه حسن مراکشی و... از یکطرف و وابستگان به شوروی همچون حافظ اسد و... از سوی دیگر قصد اعلام پذیرش به رسمیت شناختن اسرائیل را دارند. در چنین اوضاعی وجود طرز تفکری در درون جامعه اسلامی ایران به خصوص در برخی پستهای حساس و وزارتخانه، که معتقد به نظر امام در مورد محور و نابودی کامل اسرائیل از صفحه روزگار نباشد، نه تنها چهره انقلاب ما را در نزد مسلمانان و مستضعفین عالم مخدوش می نماید بلکه خدای ناگردد موجب تخطی از اوامر امام در این رابطه و قرار گرفتن در چارچوب نظم جهانی مطلوب ابرقدرتها یعنی حرکت در جهت شناسایی و تثبیت اسرائیل غاصب یا حداقل بی تفاوتی در برابر آن می گردد.

به عنوان هشدار به این ساده اندیشان - اگر نگوئیم وابستگان! - در پایان جملات جاودانه امام خمینی (سلام الله علیه) را در این باره یادآوری کرده و اعلام می نمائیم که هرگونه تخطی از این فرامین روشن عواقب سوء و مصیبت باری را متوجه ایران و جهان اسلام خواهد نمود.

امام در پیام تاریخی فریاد برائت ۶/۵/۶۶ استراتژی اسلام ناب محمدی (ص) در قبال مسأله فلسطین را اینگونه تبیین فرمود:

«ملت‌های مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب آنزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خود فروخته ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خفقه را به تباهی کشیده اند به دنیا اعلام، و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره ها و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را - خدشه دار کنند، که این انقلابی نماهای کم شخصیت و خود فروخته به اسم آزادی قدس به آمریکا و اسرائیل منتقل شده اند. عجبا که هر روز از قاجعه خونبار غصب فلسطین بیشتر می گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مناسبات با اسرائیل غاصب بیشتر و حتی از تبلیغ و شعارهایی بیت المقدس هم خبری به گوش نمی رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می زند، او را محکوم می کنند و حتی از اینکه یک روز هم به نام «قدس» برگزار شود، وحشت نموده اند. نکند که اینان تصور کرده اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنابهای اسرائیل و صهیونیزم را دگرگون ساخته است و گرگهای خون آشام صهیونیزم از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای ازبیل تا فرات دست برداشته اند؟!»

مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملت‌های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به باری خداوند تعالی از قظرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد. صلی الله علیه و آله و سلم. و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان، اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از جنگال آنان خارج کرد. من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته، قبل و بعد از انقلاب، هشدار داده ام مجدداً خطر فراگیری غده چرکین، و سرطانی صهیونیزم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می کنم و حمایت بی دریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملت‌ها و جوانان عبور و مسلمان در راه آزادی قدس، اعلام می نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرفرازی امت اسلام و خواری و ذلت جهانخواران گردیده اند، تشکر می کنم و برای موفقیت همه عزیزانی که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده، با تکیه به سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه می زنند دعا می کنم و اطمینان می دهم که ملت ایران، شما را تنها نخواهد گذاشت. به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان و سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت بردشمنان حمله ببرد که: ان نصرنا الله و بنصرکم و ثبت اقدامکم». والسلام

بقیه از امام راحل سلام الله علیه وفقه سنتی

اربعمأه و مؤلفین آنها را نام می برد، خدایتعالی این مرد عظیم القدر و حیرالطائفة الامامیه را با ائمه اطهار علیهم السلام محشور فرماید آمین.

باید توجه شود اینکه در اثناء کلام آقا حاج شیخ آقا بزرگ علیه الرحمه آمده: «اگر مؤلف اصل از رجال مورد اعتماد است حدیث وی حجت است».

مورد اعتماد بودن مؤلف اصل، منافاتی با فساد مذهب وی ندارد، یعنی می شود که مؤلف اصل در عین اینکه فاسد المذهب است، اصل وی، معتمد علیه باشد، زیرا ممکن است کسی در مقام ضبط و نقل خبر در نهایت وثاقت و امانت و دقت باشد، ولی از نظر ادراک و تعقل

اختیار خصوصاً اخبار مربوط به اعتقادات قاصر باشد و از این جهت گرفتار شبهه گردیده و فاسد المذهب شده مانند اصولی که طائفه فطحیه یا واقفیه نوشته اند، و نیز می شود اصولی را که به دست فاسد المذاهب نوشته شده، مورد امضاء امام علیه السلام واقع شده باشد مانند کتب بنی فضال و شلمغانی یا ثابت گردیده که تألیف اصل در حال استقامت بوده است، چنانکه شیخ الطائفه «ره» در آغاز کتاب فهرست تذکر داده اند.

ادامه دارد

۱- «کانت خزانه الکتب التي وقفها الوزير ابو نصر سابورين اردشير وزير بهاء الدولة بن غضد الدولة ولم يكن في الدنيا احسن كتبها كانت كلها بخطوط الائمة المعتره واصولهم المحتره واحترقت فيما احرق من مخال الكرخ عند ورود طغرل بك اول ملوك السلجوقية الى بغداد سنة ۴۴۷» (معجم البلدان، ج ۱ ص ۵۳۴).